



پاتک هسته‌ای

گزارش «وطن امروز» از

ضرورت انجام اقدامات جدید هسته‌ای

برای مقابله با سیاست‌های خصمانه

آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران

و ایجاد خلل در دستگاه محاسباتی دشمن



سخنگوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی:

علت و چگونگی حادثه نظنز در زمان مناسب اعلام می‌شود

سخنگوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی گفت: بر اساس بررسی‌های فنی و امنیتی علت حادثه رخ داده در مجتمع غنی‌سازی نظنز مشخص شده است ولی به دلیل برخی ملاحظات امنیتی، علت و چگونگی بروز این حادثه در زمان مناسب اعلام می‌شود.

کیوان خسروی عصر دیروز اعلام کرد: بررسی‌های فنی و امنیتی انجام شده از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط، علت وقوع حادثه در مجتمع هسته‌ای شهید مصطفی احمدی‌روشن در نظنز را که بامداد پنجشنبه ۱۲ تیرماه به وقوع پیوست به صورت دقیق مشخص کرده است. وی با اشاره به حضور و فعالیت کارشناسان بخش‌های مختلف مسؤول ارزیابی و رسیدگی به حادثه در سایت نظنز که از اولین ساعات وقوع این رخداد انجام شد، خاطر نشان کرد: بر اساس فرضیه‌های مختلف درباره علت این رخداد و با بررسی دقیق آثار، نحوه و میزان تخریب ایجاد شده، علت اصلی حادثه مشخص شده است. خسروی افزود: به دلیل برخی ملاحظات امنیتی، علت و چگونگی بروز این حادثه در زمان مناسب اعلام خواهد شد. وی در پایان با تأکید بر محدود بودن خسارت وارده به سوله در حال تکمیل در مجتمع هسته‌ای نظنز اضافه کرد: در محل وقوع حادثه هیچ‌گونه مواد هسته‌ای وجود نداشته و موضوع نشست مواد رادیواکتیو در وقوع این رخداد کاملاً منتفی است.

تیتراهای امروز

براساس نظرسنجی‌ها ۷۵ درصد آمریکایی‌ها از بهبود اوضاع کشورشان ابراز یأس کردند

آمریکای ناامید

با وجود تسلط پلیس سیاتل بر منطقه کپیتال هیل، معترضان در سیاتل، پورتلند نیویورک و چند شهر دیگر تظاهرات کردند



موافقت ۷۸ درصدی روس‌ها با اصلاحات قانون اساسی

نام خدا در قوانین روسیه آمد

چگونه برقراری طرح ترافیک با وجود همه تذکرات وزیر بهداشت، شیب ابتلا به کرونا را افزایش داد

بازی با جان مردم

آمار جان‌باختگان کرونا

مرز ۱۱ هزار نفر را درنوردید

نگاهی به کارنامه هنری مرحوم سربوس گرجستانی که در ۷۶ سالگی دارفانی را وداع گفت

هاشم آقا شهریار و اباقطام

صفحه ۸

خبر

پنجمین جنگنده نیروی هوایی پنتاگون در کمتر از ۵۰ روز دچار سانحه شد

تکرار سریال تابستانی سقوط‌های آمریکایی

سقوط پنجمین جنگنده آمریکایی در کمتر از ۵۰ روز علامت‌های سوال بسیاری را در مقابل ادعای پنتاگون مبنی بر برتری هوایی جهانی‌اش قرار داده است. نیمه‌شب سه‌شنبه هفته گذشته یک فروند هواپیمای «اف ۱۶ سی‌ام» ارتش تروریست آمریکا

حاصل یک خلبان در کارولینای جنوبی سقوط کرد. بر این اساس جنگنده تک خلبان مزبور که برای تمرین پرواز از پایگاه هوایی شلو در کارولینای جنوبی به هوا برخاسته بود، لحظاتی بعد سقوط کرد و خلبان آن که بشدت دچار سوختگی شده بود به بیمارستانی در همان حوالی انتقال یافت اما مرد. سهرنگ لری سالیوان، فرمانده واحد بیسیستم نیروی هوایی آمریکا صبح چهارشنبه پیش با انتشار ویدئویی در صفحه فیسبوک خود ضمن اعلام این سقوط از به هلاکت رسیدن خلبان آن خبر داد. او نام خلبان کشته‌شده و همچنین علت سقوط را فاش نکرد و با اینکه مدعی شد طرف ۲۴ ساعت این مورد توسط مسؤولان پایگاه هوایی شلو اعلام خواهد شد اما تا این لحظه هنوز هیچ‌یک از این موارد روشن نشده است. اهمیت این سقوط از آن رو است که دومین مورد انهدام یک جنگنده نظامی آمریکایی در یک سانحه هوایی مرگبار تنها طی ۲ هفته اخیر و همچنین پنجمین سقوط یک هواپیمای نظامی پنتاگون طی ۷ هفته اخیر و پنجمین سقوط «اف ۱۶»های ارتش تروریست آمریکا ظرف یک سال محسوب می‌شود. پانزدهم ژوئن (۲ هفته پیش) بود که یک جنگنده دیگر آمریکایی جنین ماموریت نظامی در آبهای نزدیک به سواحل شمال شرقی جزیره انگلیس سقوط کرد. این «اف ۱۵» مدل «ایگل» متعلق به ناگان چهل‌وهشتم نیروی هوایی ایالات متحده در بریتانیا مستقر در پایگاه لیکنهیث در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی کمبریج و تحت فرماندهی هوایی USAFE، مرکز فرماندهی نیروهای هوایی اروپا و آفریقای پنتاگون محسوب می‌شد و خلبان آن ستوان کنت آلن نیز در جریان این سانحه کشته شد. این رخدادها به نوعی تکرار سریال تابستان گذشته سقوط‌های پرندهای نظامی آمریکایی تحت خدمت ارتش تروریست است کشور، ژاپن و بریتانیا محسوب می‌شود که به شکلی اسرارآمیز به توقف استفاده عملیاتی از «اف ۳۵» به دستور فرماندهی نیروی هوایی این کشور انجامید. در همین کار برخی کارشناسان نظامی این احتمال را مطرح کردند که افزایش سوانح هوایی نظامی در آسمان‌های روسیه، چین و حوزه ناتو و همچنین آمریکا و متحدانش ممکن است به خاطر جنگ پدافندی طرف‌های شرقی و غربی در تابستان داغ ۲۰۱۹ همراه با جنگال (جنگ الکترونیکی) متقابل و عملیات خرابکارانه ۲ طرف علیه یکدیگر بوده باشد.

انقلاب مظلوم ما

دکتر مصباح‌الهدی باقری *

اما خوب یاد گرفته‌اند موعد سررسید، خود را چند وقتی گم‌گوگرد کنند و بعد که آب‌ها از آسیاب افتاد، بزرگ‌کرده خود را حناق خلق مردمان می‌کنند. دست‌پنجم: برخی بیشتر از آنکه انقلاب برای‌شان جلوه دیگری پیدا کنند، خودشان مغفوت شدند و خواست دیگری پیدا کردند. این دسته، نظام ارزشی‌شان تاریخ مصرف داشت. روزی حمایت از مستضعفان، جنگ رودررو با استکبار و داعیه راه‌اندازی نهضت‌های آزادی‌بخش، جلوه‌ای از انقلابیون پیشرو با آرمان‌های متعالی را نشان می‌داد اما روزی دیگر با عوض شدن معیارهای‌شان که ناشی از زنده‌شدن حس منفعت‌جویی سرکوب‌شده‌شان بود، نمای دیگری پیدا کردند. حتی قیافه و ظاهر و هیأت محاسن‌شان هم عوض شد. با آدم‌هایی دیگر طرف بودیم، روزی به جماران می‌رفتند که دور امام باشند و روزی در جماران ماندند و تا لولاسان هم رفتند تا هوای خوب بخورند و اکسیژن ناب، چاقی کنند. حتی گروه هدف‌فشان هم تغییر کرد. از جنوب شهری‌ها و آفتاب‌سوخسته‌ها و روستائینشان به لب گل‌لنداخته‌ها و ایکس فورسوارها برج‌عاج‌شین‌ها تغییر زاویه دادند. عجب قصه‌ای دارد این آدمیزاد...

دسته ششم: برخی جزو انقلاب و انقلابیون بودند اما چون آنچه می‌جستند را کم‌ترنگ (و شاید بی‌ترنگ) دیدند، لب به شکوه و گلابه و انتقاد و اعتراض گشودند، حتی بعضا تا آشوب و اغتشاش هم پیش رفتند و می‌روند، برخی‌شان هم جدا شدند یا ساز جدایی کوک کرده‌اند. این دسته، عمدتاً آدم‌های ناراضی هستند از روستائینشان به لب راضی نیستند. همه چیز را ایده‌آل می‌خواهند و اگر از ایده‌آل فاصله بگیرد، زود زبان به گلابه و نقد باز می‌کنند. جنس‌شان هم مثل آدم‌های منتقد فیلم است. کاری به لوازم کار و موجودیت‌ها و محدودیت‌ها ندارند. باید همه چیز کامل باشد و البته اغلب‌شان هم وسط‌گود و معرکه نبوده‌اند خیلی شیک و مجلسی فقط توپخانه‌شان را هر روز کوک کرده و با اندک تقلیلی از ایده‌آل‌ها، شلیک می‌کنند. شغل‌شان اغلب عیب‌جویی و بهانه‌گیری است. نزد آنها اکثر افراد ایراد دارند و نابالند و ناتوان. آن عده‌ای هم که از ایشان مسؤولیتی گرفتند، بیشتر از ماموریت به حواشی مشغول شدند و همچنان مشغولند!

دسته هفتم: برخی چه در پیروزی انقلاب سهیم بودند و چه نبودند، همواره انقلاب را (با همه فراز و فرودش)

بختیار جنبه علنی پیدا کرد. آنها از آغاز فقط به دنبال زرقم بودند و نه انقلاب و برای اصلاحات، دنبال سهم می‌گشتند ولی بخت‌برگشته شدند و در بدترین زمان ممکن، قمار کردند و باختند. در واقع رسوا شدند. بعد از پیروزی انقلاب هم دائم موش دواندند. لایحه قصاص از برجسته‌ترین مواضعی بود که آنها در همان اوان، مراسم‌شان را افشا کردند؛ مرامی که هیچ نسبتی با خواست اکثریت توده‌ها (نزدیک به اجماع) نداشت.

دسته دوم: برخی فقط به جهت انقلاب شده بودند و حکومت مستقر دیگری آمده، همراهی کردند. اگر حکومت دیگری هم می‌آمد، آنها خود را وفق می‌دادند. این گروه‌ها هیچ‌گاه برای انقلاب یار نبودند. نان به نرخ مقدس. حتی یک ۲ ریالی هم خرج نکردند، چه رسد به اینکه خون از دماغ کسی از آنها آمده باشد یا خدای ناکرده آبرو و اعتباری بگذارند.

دسته چهارم: برخی هیجانی انقلابی شدند و البته بعدتر، انقلاب هزینه‌های زیادی را بابت تخلیه هیجان‌ات‌شان پرداخت. بعد از مدتی از هیجان به خلجان افتادند و آشفته‌حال بر همه چیز (حتی خود کرده‌ها) تاختند. این گروه یکی از پرهزینه‌ترین گروه‌ها برای انقلاب بودند. جالب آنکه نه انقلاب را فهمیدند و نه حضرت امام را اما هم خود را انقلابی جا زدند و هم خود را پیرو خط امام. فاکتورهای هزینه‌هایی که کردند، دائم سررسید می‌شود

یادداشت

حالا در کنار کرونا، وضعیت اقتصادی و مشکلات و تنگ‌ناهای دیگر، برخی فرصت خراش کشیدیم به چهره انقلاب پیدیا کرده‌اند. جالب اینکه آن وقتی که باید حرف بزنند و از کارنامه و عملکرد خود که به پای نظام

نوشته‌اند، دفاع کنند، سکوت می‌کنند و گوشه‌ای می‌خیزند و جای متمم و مدعی عوض می‌شود و آن وقتی که باید دست همدلی و همراهی دهند و بدون شرط و شروط کمک کار انقلاب و نظام باشند، آن روی دیگرشان که حقیقت وجودشان است را آشکار می‌سازند (غالباً یا کمکی نمی‌دهند یا قیمت‌های بالایی مطالبه می‌کنند تا خریداری پیدا نشود).

انقلاب مظلوم ما، نامادری‌های زیادی به خود دیده. آنان که کمترین سهم در دوران مبارزه و انقلاب را داشته‌اند و بعضاً سر بزنانه پیروزی خود را نشان داده و بیشتر می‌کنند و ادعای مادری دارند. شاید هم بیشتر! ادعای بزرگ‌تری و شیخوختی.

انقلاب مظلوم ما، با اینکه این همه جوانمردی و مروت، بی‌منت و دریغ به پایش خرج شده و این همه خون سرخ نثارش گردیده، حالا گرفتار نامردی‌ها و نامرئی‌ها شده و برخی با ظاهری مؤدب و بانزاکت و با قلبی بزرگ‌شده، بسان نامادری‌هایی در جلوی صحنه، اوتوکشیدند و آنگاه که به پشت صحنه می‌روند، با قساوت تمام چهره و چیه انقلاب را مکرر می‌سازند. اما زهی خیال باطل! واقعا چگونه باور کنیم پالوده خوردن با اصحاب قدرت در حداقل ۶ دولت جمهوری اسلامی راه، و اکنون این نهنمن غریب‌بازی‌ها را. می‌خواهند چه چیز را کتمان کنند؟

شاید بد نباشد همه مواجهه‌هایی که گروه‌ها و افراد مختلف در طول این ۵۰ سال قبل و بعد از پیروزی انقلاب با انقلاب داشتند را مرور کنیم و نسبت هر کدام را با خیرخواهی و شفقت‌شان برای انقلاب بدانیم. دسته اول: برخی هیچ وقت حتی در ظاهر با انقلاب همراهی نکردند و از آغاز ضدانقلاب بودند. جبهه ملی سرآمد این گروه‌ها بود. ریشه این کزرفناری، تعامل جبهه ملی با رژیم طاغوت بود که با نخست‌توزیری

چشمداشتی، عزیزترین سرمایه‌شان را فدای امت کردند. نتیجه آنکه، از انقلابی دم می‌زنیم که دشمنان خارجی‌اش هر کار که توانستند برای انحراف و التقاط و ارتجاع‌شان انجام دادند و باز هم ادامه می‌دهند. اما این سوی میدان و در داخل هم، عده‌ای هر چند قلیل اما با بلندگوها و تریبون‌های اشغالی، سعی کردند حافظ منافع لولاسان‌نشین‌ها باشند و با ظاهر انقلابی و حراج همه سابقه درخشان نداشته و جعلی‌شان، بن‌بست‌های فکری خود مسؤولان می‌شوند اما به خاطر اهداف والای انقلاب، خود و آبروی خود را خرج انقلاب می‌کنند. از این دسته، خانواده شهیدی را می‌شناسم که یک فرزندشان توسط منافقین و پسر دیگرشان در جنگ شهید شده است. یک دامادشان نیز در دوره عقد به شهادت رسیده است. همسر این داماد هم به واسطه ناراحتی‌هایی که برای‌شان به وجود آمد، از دنیا رفتند. در واقع، ۳ فرزند و یک دامادشان را در مسیر انقلاب (مستقیم و غیرمستقیم) تقدیم کردند. یاد می‌آید وقتی هواپیمای او کرایتی به اشتباه دچار سانحه شد، مادر شهدا برای رهبان حکیم انقلاب نامه نوشت که کاش ۲ فرزند دیگرم در این هواپیما بودند تا از غصه شما، ۲ نفر کم بشود. اینگونه افراد خود را صاحب انقلاب دانسته، نه از آن بابت که از آن بکنند و بردارند و بخورند، بلکه از آن جهت که دلسوزش باشند و هواپیش را داشته باشند و حریمش را محترم بدارند و برایش جان‌فشانی و فداکاری کنند. اینها همیشه سفره انقلاب را پر کرده؛ سعی کرده‌اند آبروداری کنند. اینها، هر وقت حرف انقلاب شد، سینه سپر کرده‌اند و با اینکه بیشترین ضربه و خسارت از تصمیم‌های شب‌جمعه‌ای مسؤولان (که خودشان صبح جمعه از آن خبردار می‌شوند) را متحمل شده‌اند، با این همه باز هم برای حفظ انقلاب، همه آبرو و اعتبار خود را فدا کرده‌اند.

خوب است بدخواهان داخلی و دشمنان خارجی بداند این دسته هفتمی‌ها، با اینکه عذبه (مسؤولیت و اختیارات و امکانات) کمی دارند ولی عذه‌شان و بالاتر از آن همت‌شان کم نیست. اینها همان‌هایی هستند که جنگ برای‌شان، ساعت ۶:۳۰ صبح ۲۹ مرداد ۶۷ تمام نشد. اینها حاج‌قاسم‌هایی هستند که بیشتر از آنکه حرف بزنند ایستادند و برای این ملت عزت خریدند. اینها نگذاشتند در ایثار و جهاد بسته شود. محکم و بدون هیچ

حسن ختام کفایت کند اما دین بقیه آیات مکرر در سبای مربوط نیز بسیار درس آموز است:
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ آكِبَرٌ مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (آیه ۱۲۲ / سوره انعام)

و مکرروا و مکررالله والله خیر الماکرین (آیه ۵۴ / سوره آل عمران)

* پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)